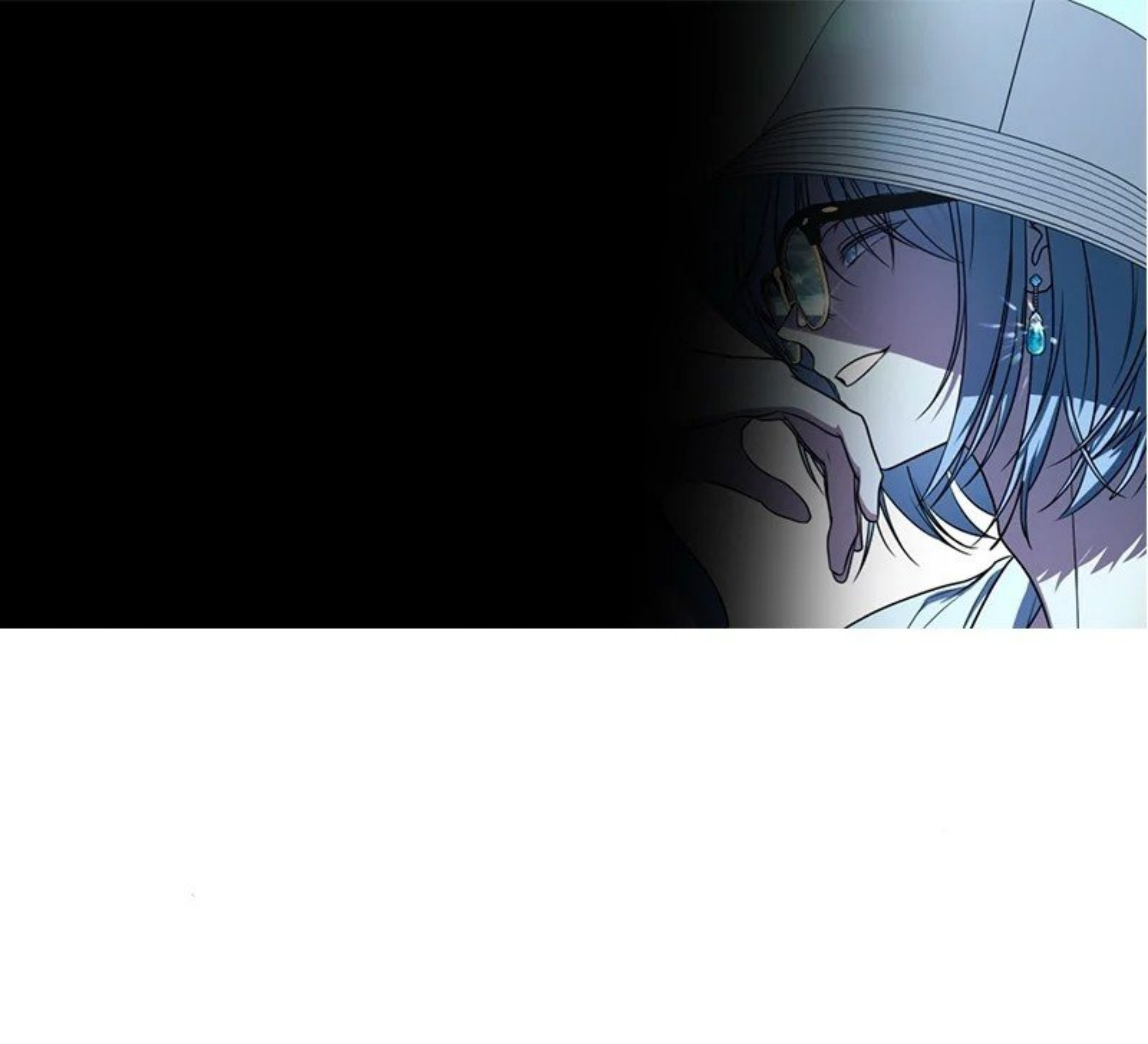




من افسار را گرفتم جانور کور



اگه فردا به پارک بریم،
شلوغ نمیشه؟



میخواهی با
همدیگه تمرین کنیم؟



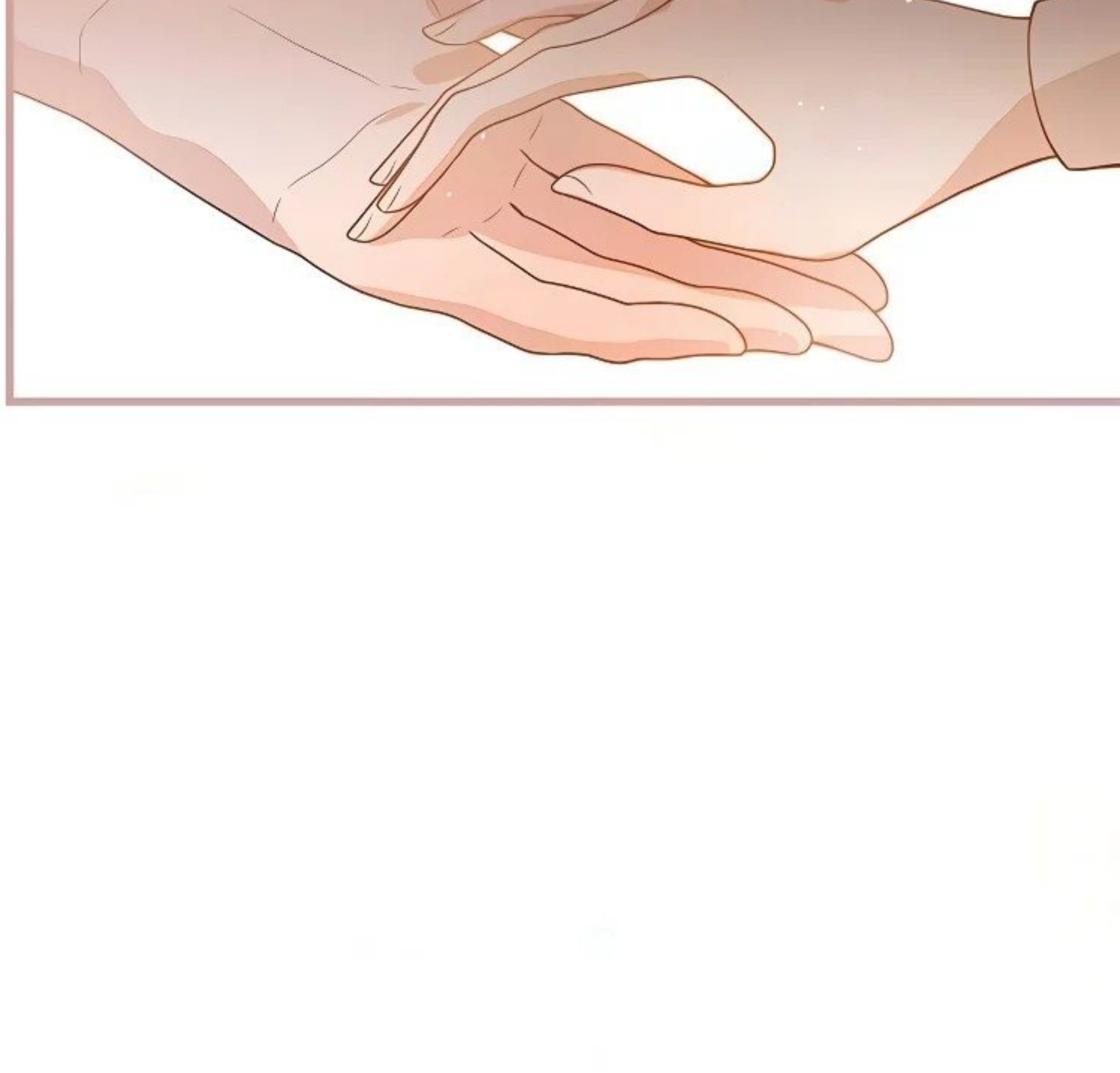
با من؟

آره، نمیخوام
تو جاهای پر جمعیت جلب
توجه کنم.

امیدوارم طبیعی
باشم.



با-باشه...



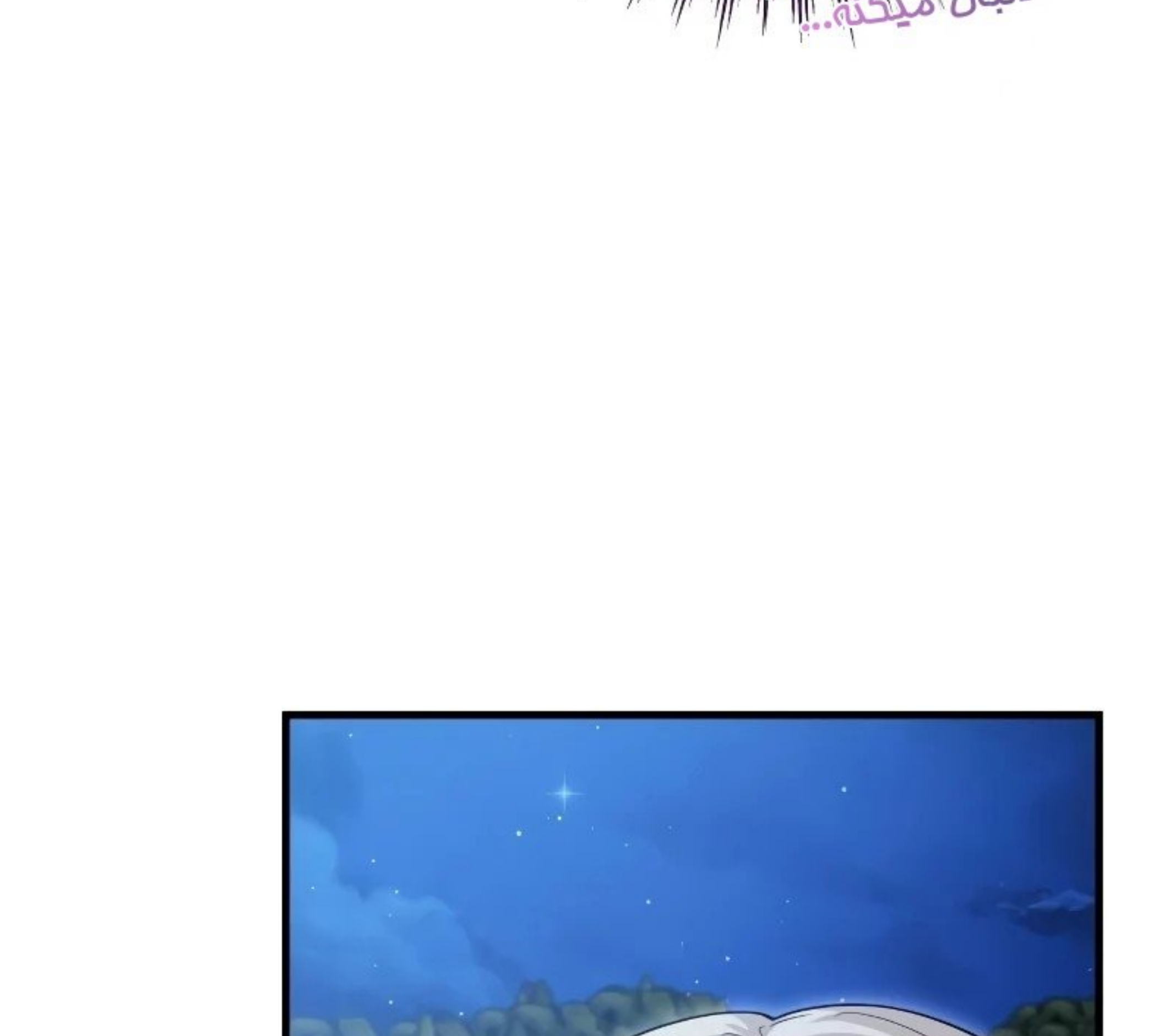
اینها واقعا...



اونقدر ا هم ناراحت
کننده نیست، مگه نه؟



ولی برای اینکه کنار هم
راه بریم باید طوا پاهامون
مساوی باشه...



شایعه ای که میگفت اون
بین خودش و دنیای اجتماعی
یک دیوار کشیده درست بود!

شاید کمی شک کنم
که دارم به لکاتی
دنبال میکنم...



بهتر نمیشه اکه تو پارک
طبیعی تر راه بریم؟

الیون، یه
لحظه وایسا.



نازی: چون... صورت رعنا



فکر کنم
اینطوری طبیعی تر
بنظر میاد.

الیون بلندتره و قدم
های دراز تری نسبت
به من داره.



اینطوری
راحت نیستی؟



نه!



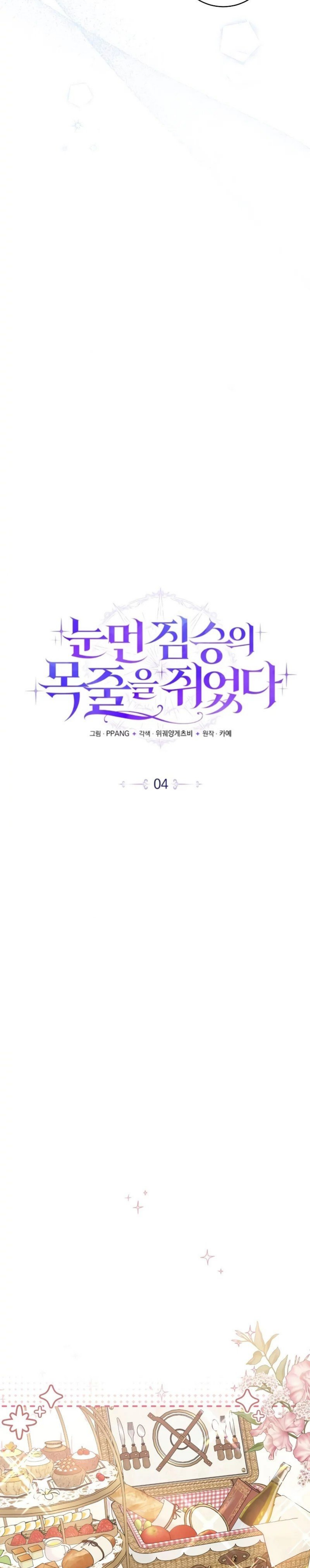
این بهتره.



خودت راه برو.
حالا با سرعت

فکر کنم سخته که
فقط طول قدم هامون با هم
مطابقت داشته باشه.

آره، همینطوری.



04



این خیلی
زیاده...



ایه
باید هم باشه، بالآخره
خانم لورنا و شوالیه های
همراهش هم هستن.

بعلاوه، اعلیحضرت
هم قراره برای دو روز
برن.

این هر روز
اتفاق نمیوفته.

حق با توعه...

از صبح
زود داریم آماده شون
میکنم

وااه...



لورنا و من قراره تنها
بریم.

불쑥

와악!!

خافگیر کندهست!! از کی
تا حالا؟

끄악

عمارت رو به تو میسپرم.
تو تنها کسی هستی که
بهش اعتماد دارم.

حوصت ندارم!! این به
فرصت کمیابه!!

منم میخوام که پیاده روی
اعلیضرت روزی فورنشید درفشان
بینم.

شما فقط به
فانم لورنا تعصب
دارید؟

آهان، فقط
فانم.

바람딱

بسه.

اینکارو نکن،

اگه همگی
با هم بریم بیشتر خوش
میگذره.

نه، نمیتونم قبول
کنم.

نمیخوام خدمتکارا و
نگهبانارو دنبالم راه بندازم
و جلب توجه کنم.

다호

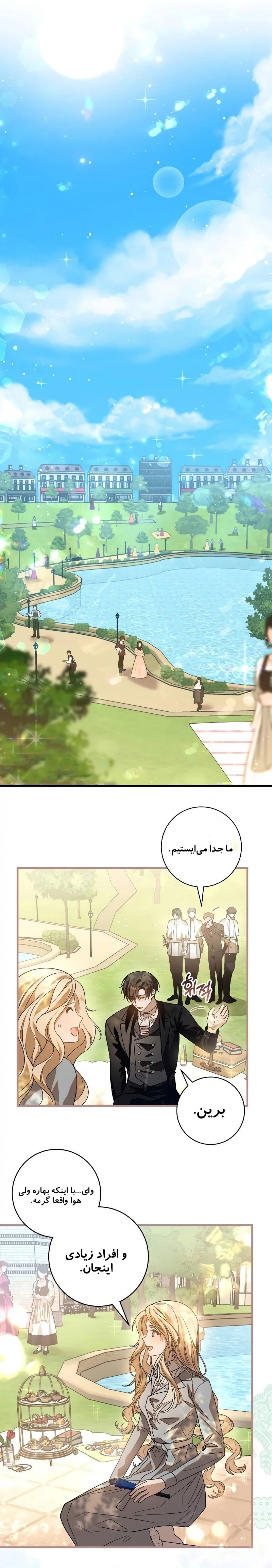
اشکالی نداره اگه ما با
هم بریم و بقیه با ما فاصله
داشته باشن، درسته؟

فقط منو تو قراره با
هم راه بریم و غذا
بخوریم!

اگه تنها بریم نمیتونم
کارینا رو بصورت جداگانه
بینم!



ناری: بچه چه زود صبح کرد 😊



برین.



و افراد زیادی اینجا.



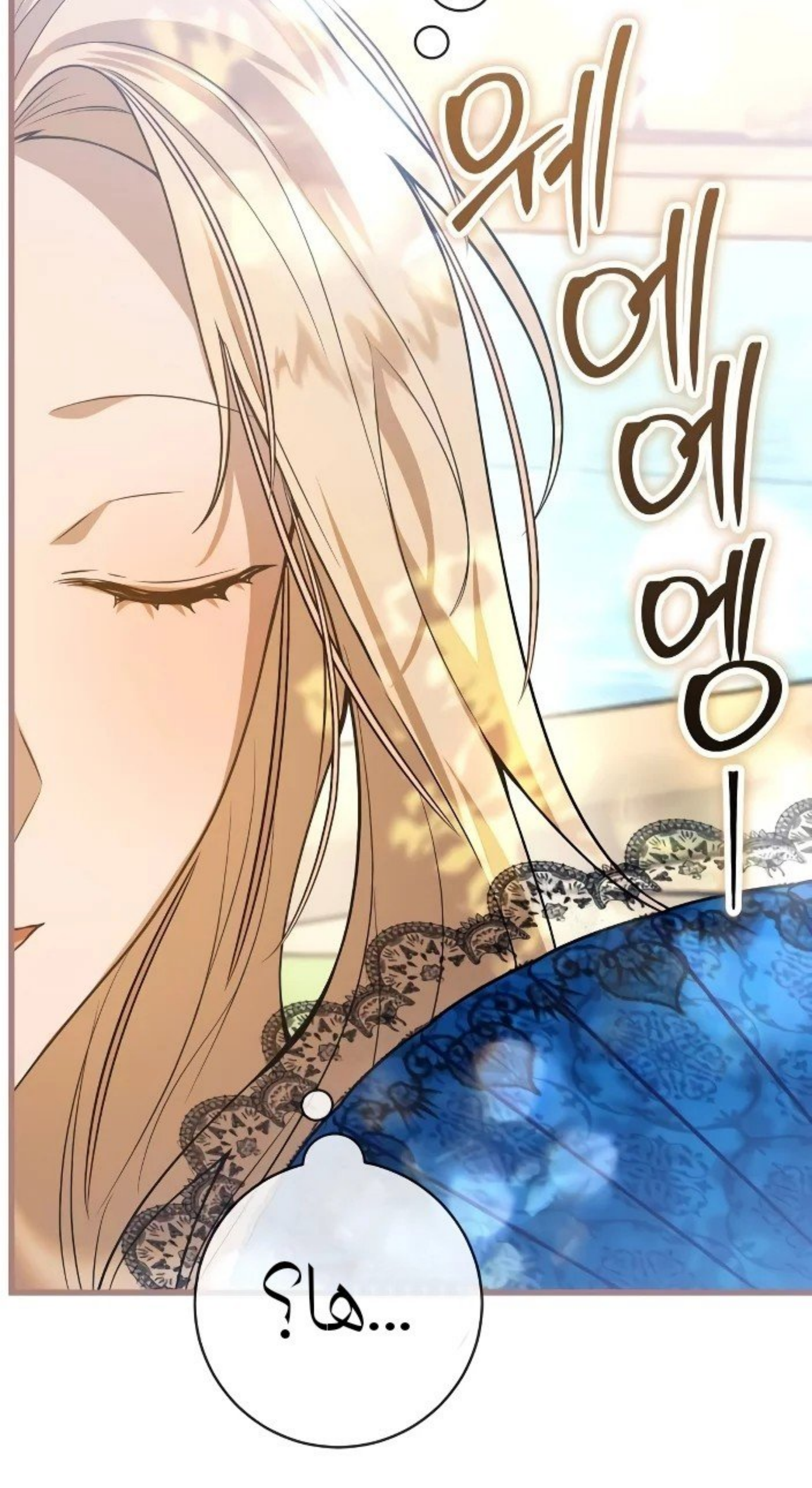
میخواه بادی بزنم؟

نه، من خوبم.

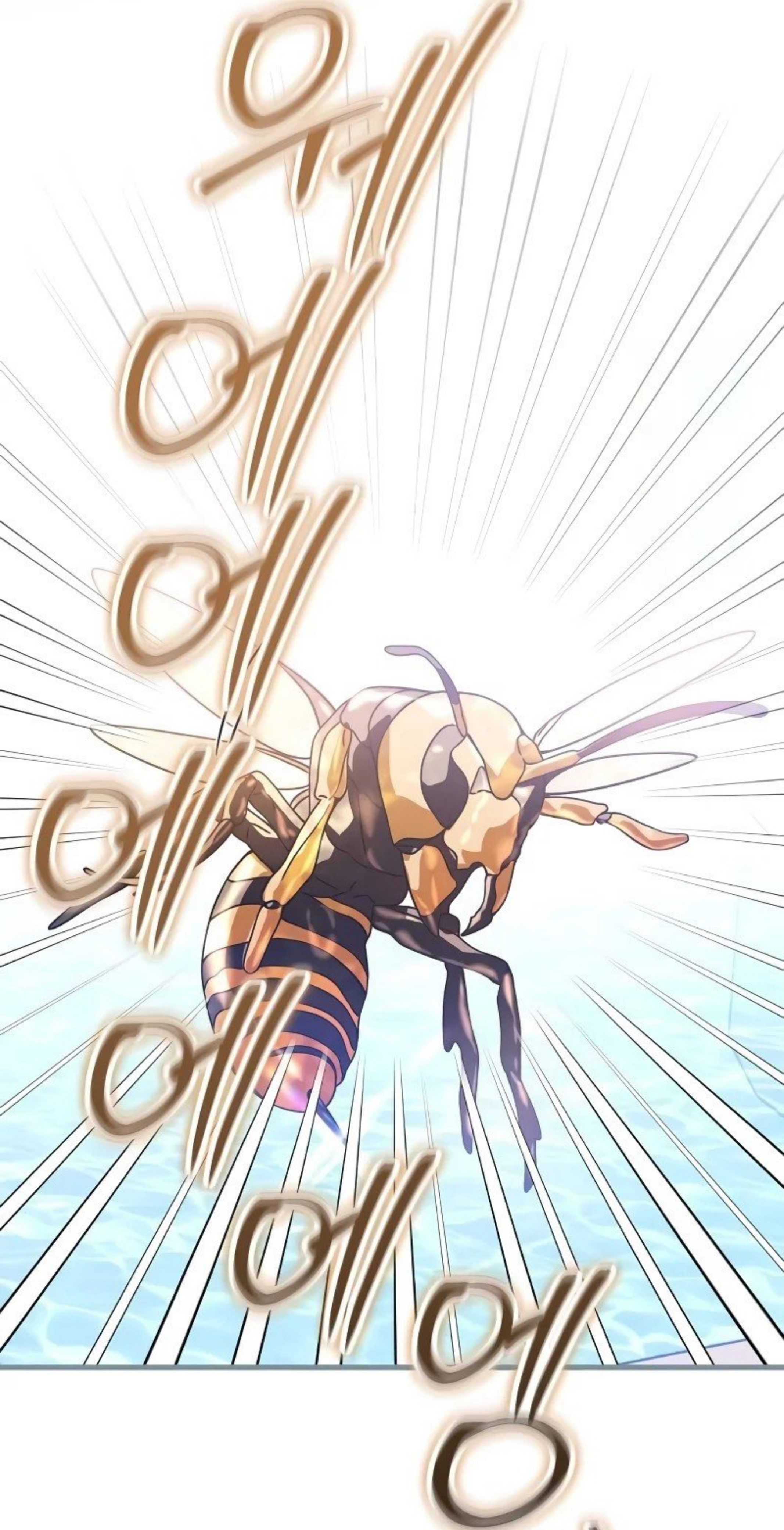
با این حال، امروز واقعا روز خوبی.



بناظر کارینا ناراحت بودم،
ولی فکر کنم چیز خوبی قراره
اتفاق بیوفته.



윽
에
에
에



این دیوانگیه!! اندازه این
زنبر عادیه؟!

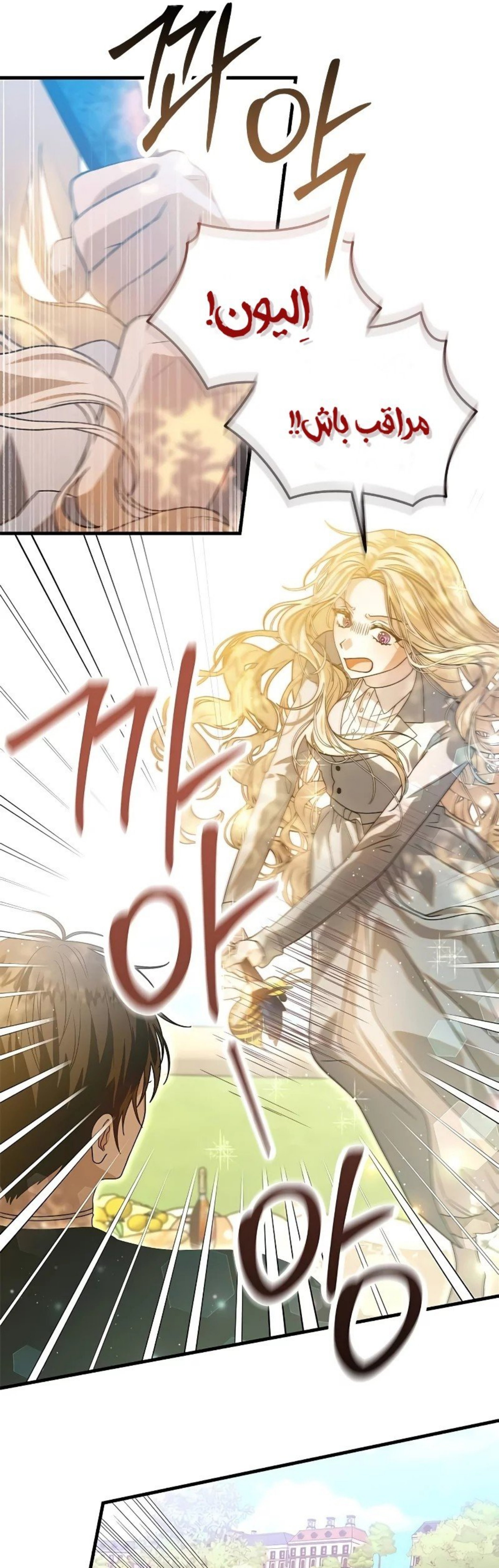


اگه کسی رو نیش بزنه،
اون فرد فوراً هوشیار میشه رو
از دست میده!

این زنبر از کجا
اومد؟



نه، اگه اون کارو کنی
نیشت میزنه!



لورنا.



متاسفم، وقتی که سعی
داشتم زنبور رو از دست
کنم تعادلم رو از دست
دادم...

حالت خوبه؟



م-معلومه!

من کاملاً خوبم!



اون زنبور فرار نکن،
من مبارزات میکنم!

قرار نیست
فقط دورت کنم!

چه فکری با فودت کردی
که تلاش کردی ایون مار را
لباس بزن!

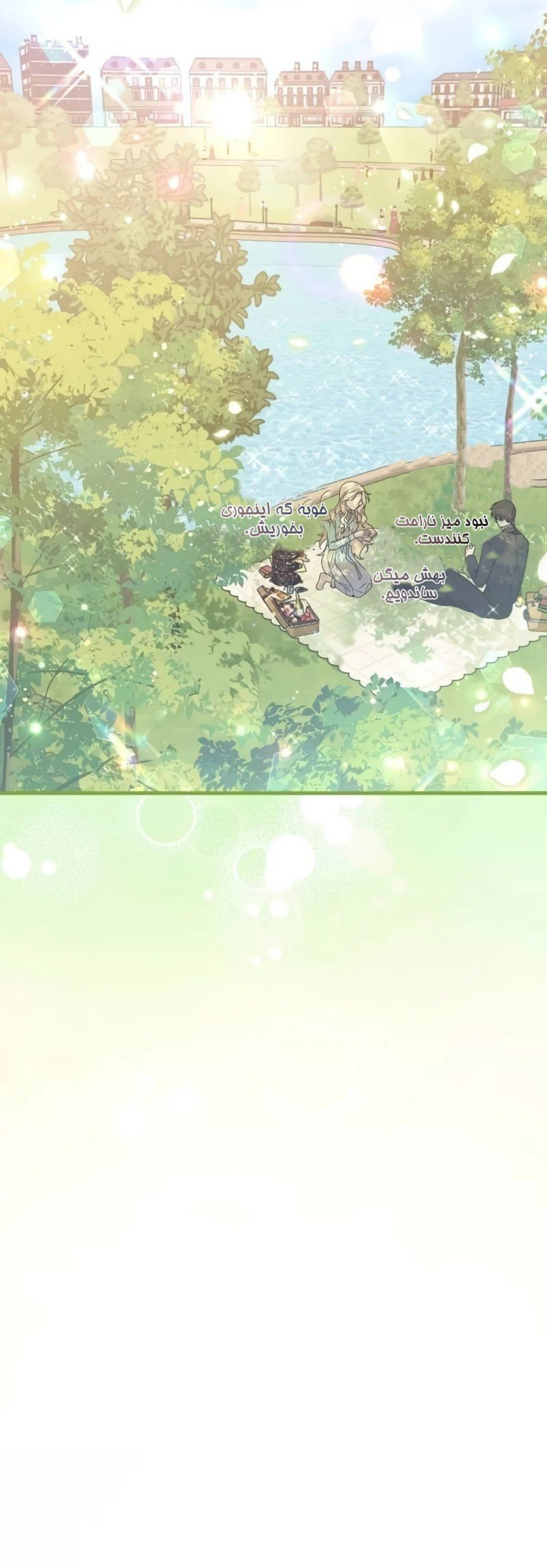
حیرت آورده!

شاید پوتن رهبر مرده،
ولی صورتش...

خجالت زده ام...

میخواهی الان
بخوریم؟

شنیدم سرخدمتکار
تلاش زیادی برای ناهار
کرده!



فوبه که اینموری
بفوریست.

نبود میز فارامت
کنندست.

پیش میکان
سالمویم.

ملک هرینگتون



سلام، من لورنا هارا هستم.

من برای ملاقات با بانو کارینا اینجا اومدم.

بانو کارینا؟
یک دقیقه صبر کنید...

نمیدونم بخاطر هویت نامشخص ام میتونم ملاقاتش کنم...



بیشتر از چیزی که توقعش داشتم طوا کشید. بخاطر همون برای ملاقاتش دیر اومدم.



همیشه با هم بریم؟

نه... نمیتونیم.

ایه...

اگه به مزدو به فروشگاه لباس زنانه ببرم بقیه ممکنه فکر کنن ما کاپیم!

اون بچه نیست ولی همیشه تلاش میکنه همه جا با من بره...

گفتید که برای ملاقات بانو کارینا اومدید؟



بله، من بهش مديونم.

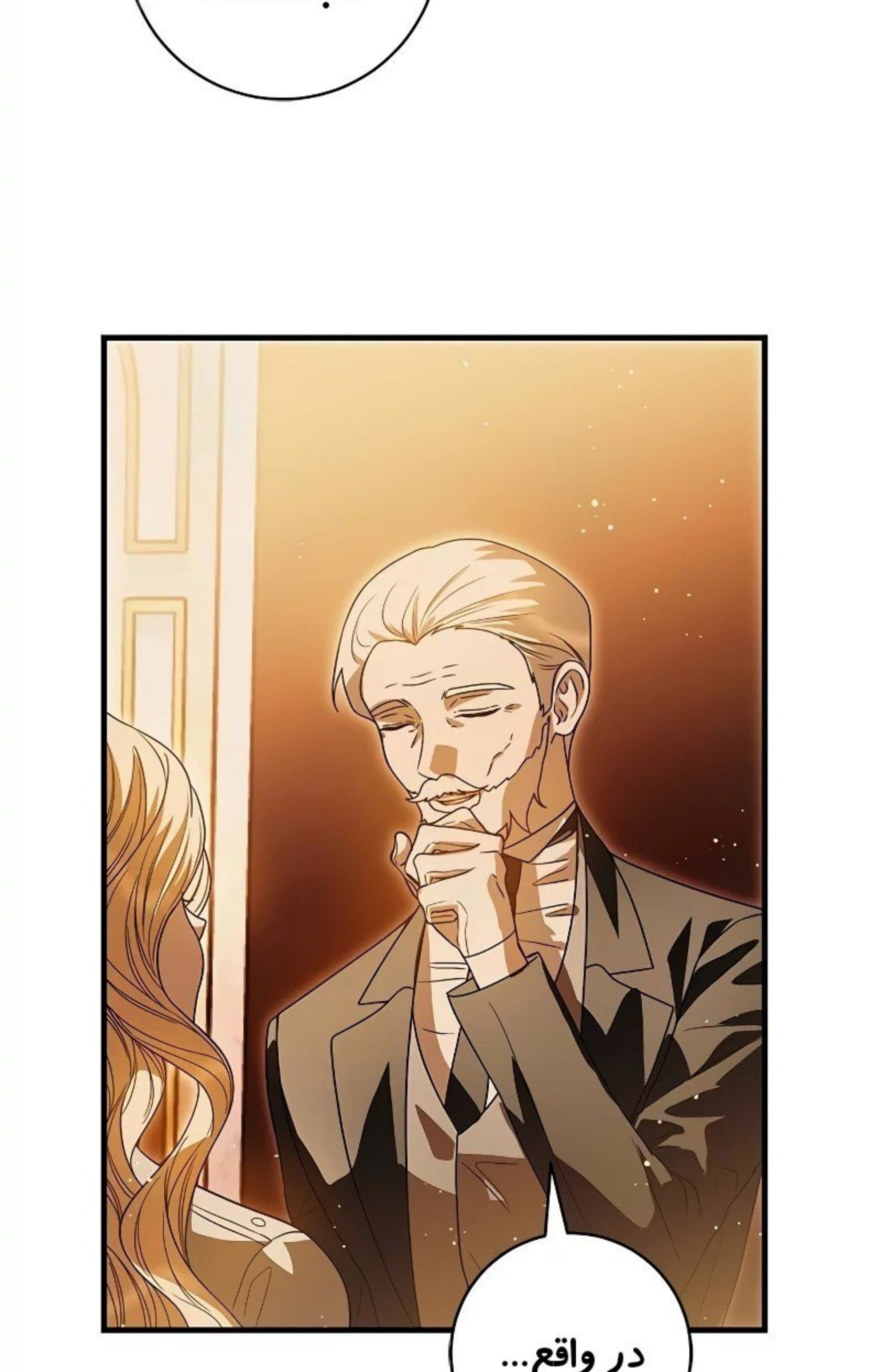
اگه منو ببينه، مطمئنم خوشحال ميشه!

دروغ!

متاسفم، ولی ملاقات با ايشون زمانی که تو عمارت نیست سخته.



چی؟ نه، پس کجاست؟



در واقع...

اون در
کاخ امپراطوریه.



این خیلی زیباست.



نه زیباتر از تو.

اعلیحضرت اینجور
چیزا رو خیلی یهویی
میگن.

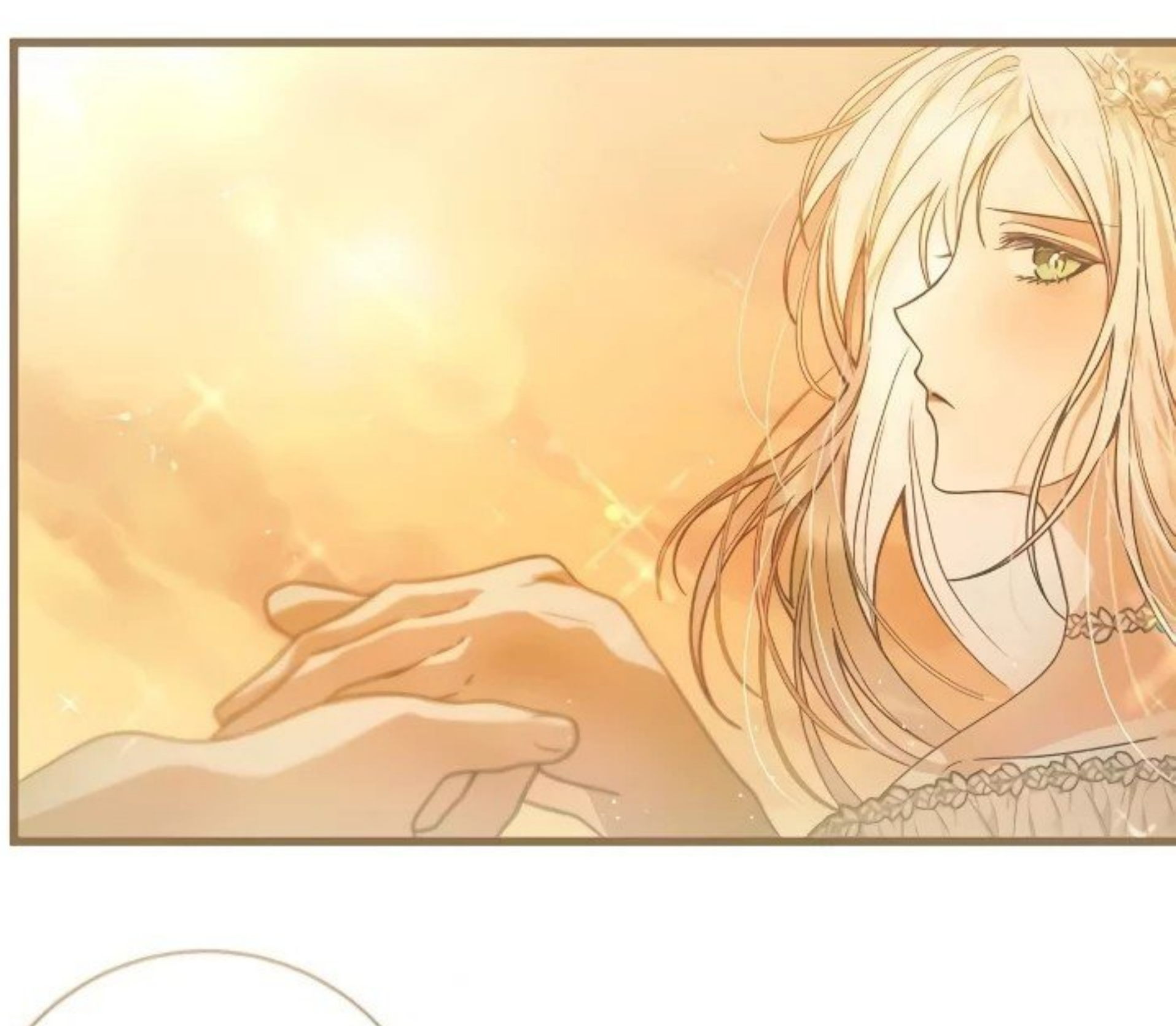


دفتر فواندهی کنت هرینگتون،
کارینا هرینگتون.

این رو به بقیه خانم ها
هم میگین؟



قبلا اینطور بود.



این قیافه رو به
خودت نگیر، کارینا.

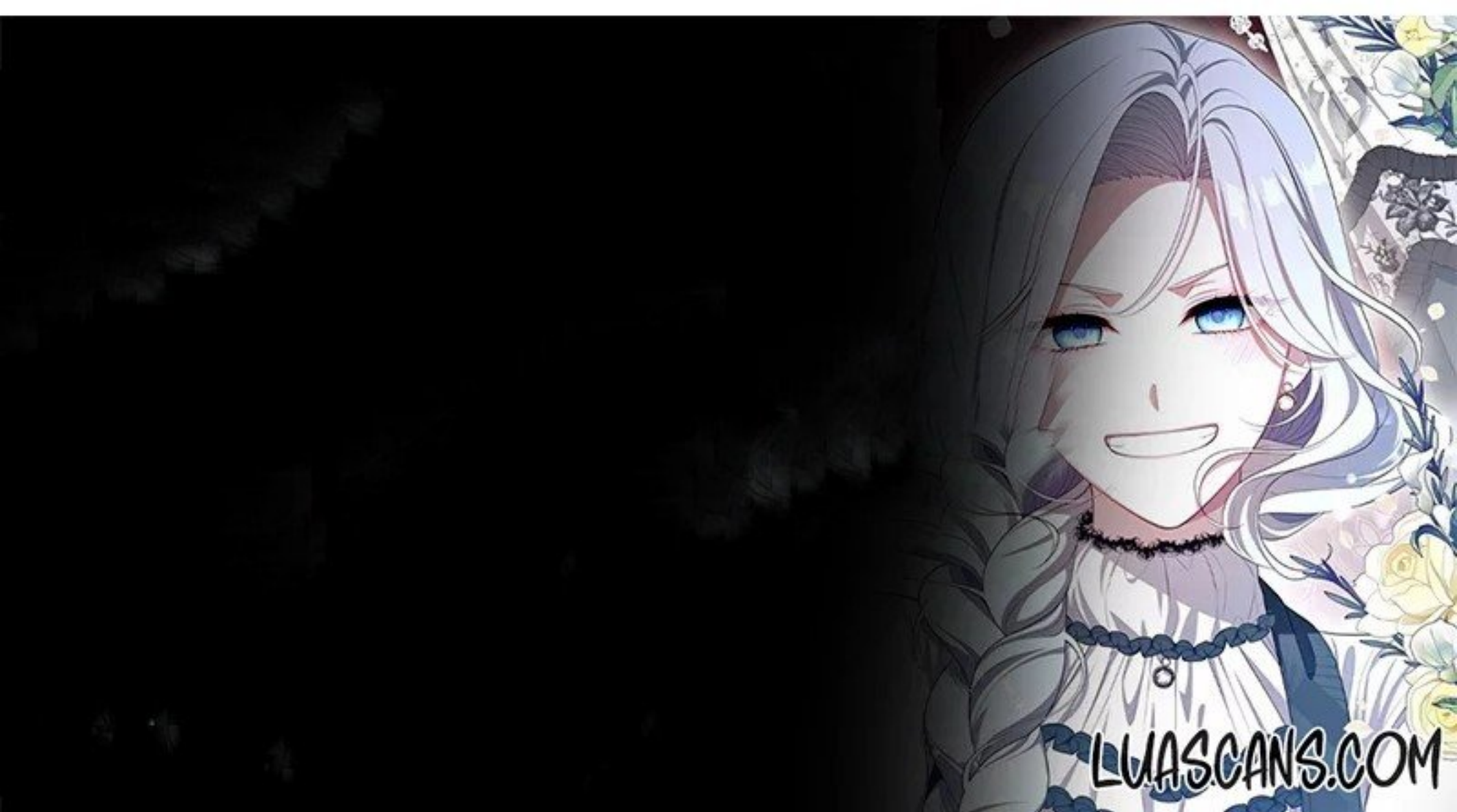


قبلا اینجور چیزا رو
از روی ادب میگفتم.

هیچوقت فکر نمیکردم
که روزی صادقانه این رو
به فردی بگم.



ولیعهد امپراطوری
سابل اودر کانستنس.



این مانهوا توسط تیم ترجمه مانهوا اکسیر

ترجمه ادیت شده و هرگونه آپلود در سایت.

سروش رویکا و پیام رسان های

دیگه ممنوعه

و پیگرد قانونی داره اگه دیدید جای

دیگه دید جای دیگ این مانهوا رو گذاشته

از چنلش لف بدید و بهمون اطلاع بدید مانهواهای

ما رو میتونید

از شعبه های

تلگرام، سروش، رویک دنبال کنید

@ManhwaExsir